

پیش‌بینی رضایت زناشویی بر مبنای «هماهنگی نگرش‌ها»، «آشنایی با نگرش‌های همسر» و «هماهنگی ارزش‌های زوجین»

Predicting Marital Satisfaction based on the Attitude Similarity, Attitude Familiarity and Values Similarity among Couples

<https://dx.doi.org/10.52547/JFR.19.1.29>

**M. Fakouri Ashkiki, M. A.**

Department of Psychology, University of Science and Culture

**M. Janbozorgi, Ph.D.**

Department of Psychology, Research Institute of Hawza & University

**F. Khoramian, M. A.**

Department of Psychology, Medical Science Islamic Azad University of Tehran

مینا فکوری اشکیکی

گروه روانشناسی، دانشگاه علم و فرهنگ

✉ مسعود جان‌بزرگی

گروه روانشناسی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

فاطمه خرمیان

گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد پزشکی تهران

دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۳/۲۹

دریافت نسخه اصلاح شده: ۱۴۰۱/۱۰/۲۰

پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۱۲/۲۴

**Abstract**

Marital satisfaction is important for maintaining the co-existence of couples and their well-being, and the factors that increase marital satisfaction are evident. The purpose of this study is to predict marital satisfaction based on the attitude similarity, attitude familiarity and values similarity among couples..

**چکیده**

رضایت زناشویی برای حفظ زندگی زوجین و بهزیستی آن‌ها، مهم است و عواملی که رضایت زناشویی را افزایش می‌دهد، مشهود است. هدف از پژوهش حاضر، پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس هماهنگی نگرش‌ها، آشنایی با نگرش‌های همسر و هماهنگی ارزش‌های زوجین است. پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی می‌باشد.

✉ Corresponding author: Department of Psychology, Research Institute of Behavioral Science, Research Institute of Hawzeh & University, Qom, Iran  
Email: [psychjan@gmail.com](mailto:psychjan@gmail.com)

✉ نویسنده مسئول: قم، گروه روان‌شناسی، پژوهشگاه علوم رفتاری، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

پست الکترونیکی: [psychjan@gmail.com](mailto:psychjan@gmail.com)

The research design was a descriptive and correlational study. The statistical population of this study was all married couples in Tehran and Karaj. 126 couples were selected by voluntary and accessible method. All subjects completed the ENRICH Marital Satisfaction Scale Questionnaire (Enrich), Dynamic Adjustment Scale Inventory (DAS) and Study of Values Questionnaire (SOV). Findings indicate that there is a positive and significant relationship between coordination of feedback, familiarity with spouse's feedback and coordination of couples' values with marital satisfaction. These variables have the power to predict marital satisfaction. Concerning the spouse's feedback and coordination, the couple's values are equal to 0.71 and their common variance is equal to 0.50, which means that the desired variables predict 50% of the couple's marital satisfaction. The results showed the importance of coordinating feedback, familiarity with the spouse's feedback and coordinating the couple's values on marital satisfaction, which can be considered in marriage counseling sessions.

**Keywords:** Marital Satisfaction, Attitude Similarity, Attitude Familiarity, Values Similarity- couples.

۱۲۶ زوج از زوجین متأهل شهر تهران و کرج که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شده بودند، در این پژوهش شرکت کردند. تمامی آزمودنی‌ها، پرسش‌نامه رضایت زناشویی انریچ (ENRICH)، پرسش‌نامه سازگاری زناشویی اسپانیر (DAS) و پرسش‌نامه ارزش‌های آلپورت (SOV) را تکمیل نمودند. یافته‌ها حاکی از آن است که بین هماهنگی نگرش‌ها، آشنایی با نگرش‌های همسر و هماهنگی ارزش‌های زوجین با رضایت زناشویی، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد و این متغیرها قدرت پیش‌بینی رضایت زناشویی را دارد. مقدار ضریب همبستگی رضایت زناشویی زوجین با هماهنگی نگرش‌های زوجین، آشنایی با نگرش‌های همسر و هماهنگی ارزش‌های زوجین برابر ۰.۷۱ و واریانس مشترک آن‌ها برابر با ۰.۵۰ است که به معنای آن است که متغیرهای مورد نظر ۵۰ درصد رضایت زناشویی زوجین را پیش‌بینی می‌کنند؛ در این بین، هماهنگی نگرش‌های زوجین بیشترین نقش را در پیش‌بینی رضایت زناشویی دارد و پس از آن آشنایی با نگرش‌های همسر و در انتها هماهنگی ارزش‌های زوجین، می‌توانند رضایت زناشویی را پیش‌بینی کنند.

**کلیدواژه‌ها:** رضایت زناشویی، هماهنگی بازخوردها، آشنایی با بازخوردهای همسر، هماهنگی ارزش‌های زوجین.

## مقدمه

ازدواج مبنای شکل‌گیری خانواده و پرورش نسل آینده است. زندگی زناشویی یک رابطه اساسی انسانی است که زوجین از طریق آن می‌توانند نیازهای زیستی، روانی و اجتماعی خود را برآورده کنند (کاساپ اغلو و یابانیگول<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸). اگرچه ازدواج دیگر یک الزام برای پذیرش اجتماعی نیست، بیشتر مردم با آرزوی زندگی مشترک رضایت‌بخش و طولانی ازدواج می‌کنند (کارنی و بردبری<sup>۲</sup>، ۲۰۲۰). در ازدواج‌های پایدار و رضایت‌بخش، همسران معمولاً سالم‌تر هستند و عمر طولانی‌تری دارند (ژنگ و لیانگ<sup>۳</sup>، ۲۰۲۳).

طبق نظر مارکمن و هالوگ<sup>۴</sup> (۱۹۹۸)، هدف اولیه و اساسی هر ازدواجی رضایت زناشویی است (به نقل از ضرب‌استجابی، برماس و بهرامی، ۱۳۹۲). طبق تعریف، رضایت زناشویی حالت ذهنی مثبتی تعریف می‌شود که نشان‌دهنده میزان شادبودن با همسر است (جیسوک یو و سوزانا جو<sup>۵</sup>، ۲۰۲۲). رضایت زناشویی به‌عنوان یکی از شاخص‌های کیفیت زندگی زناشویی استفاده می‌شود (توینگ<sup>۶</sup>، ۲۰۰۳). با وجود اینکه مطالعه رضایت زناشویی پیشینه طولانی و مستندی دارد، فراوانی طلاق نشان می‌دهد که حفظ ارتباط اولیه و خوش‌بینی‌ای که زوجین در آغاز زندگی دارند، برای بسیاری از زوجین سخت است. در واقع، یکی از نتایج ثابت در تحقیقات طولی ازدواج، این است که رضایت زناشویی در طول زمان، به‌طور چشمگیری کاهش می‌یابد (کارنی و بردبری، ۲۰۲۰) و دانش ما درباره شیوه‌های رسیدن به رضایت زناشویی و حفظ آن و اطمینان از موفقیت زناشویی، بسیار اندک و سطحی است (عارفی و محسن‌زاده، ۱۳۹۱).

برای پی‌بردن به عوامل مؤثر در رضایت زناشویی، یکی از کانون‌های اصلی تحقیقات در روابط زوج، شباهت زوجین می‌باشد؛ زیرا بر اساس اینکه زوج‌ها مشابه، مکمل یا ترکیبی از هر دو هستند، می‌توان به مطلوب‌ترین مدل رابطه پی برد. طبق نظریه محرک-ارزش-نقش (مارستین<sup>۷</sup>، ۱۹۷۰)، افراد سه دسته اطلاعات را درباره شریک زندگی‌شان در رابطه به دست می‌آورند. اطلاعات «محرک»، شامل ویژگی‌های قابل‌مشاهده، مانند سن، جنس و ظاهر می‌باشد که به‌راحتی و در ابتدای رابطه قابل‌شناسایی است؛ سپس رابطه وارد مرحله «ارزشی» می‌شود که طی آن، پیشرفت رابطه به شباهت زوجین در نگرش‌ها، ارزش‌ها و باورهای مهم بستگی دارد؛ در مرحله بعد، زوجین ارزیابی می‌کنند که در وظایف زندگی، مانند شاغل‌بودن، والدبودن، کارهای خانه همسان هستند یا مکمل؛ به این مرحله «نقش» می‌گویند (پی‌لیان چی<sup>۸</sup> و همکاران، ۲۰۲۰). بنابراین یکی از ابعادی که بر کیفیت زندگی زناشویی اثر می‌گذارد، تشابه‌ها و تفاوت‌های نگرش‌ها و ارزش‌ها در نظام زوجی است (مشیریان فراحی و همکاران، ۱۳۹۵).

بر این اساس، یکی از مؤلفه‌های تأثیرگذار بر رضایت زناشویی، «هماهنگی نگرش‌های زوجین» است. فازیو (۱۹۹۰) بیان می‌کند نگرش‌ها عملکردی هستند که پردازش اطلاعات، ارزیابی‌های موقعیتی، تصمیم‌گیری‌ها و رفتار را هدایت می‌کنند (سانبونمتسو<sup>۹</sup>، ۲۰۱۲). طبق تعریف، شباهت بین نگرش‌های زن و شوهر را «هماهنگی نگرش‌ها» می‌گوییم. پژوهش‌های قبلی نشان داده است که افرادی که مشابه یکدیگر هستند، یکدیگر را جذب می‌کنند و روابط زناشویی صمیمی‌تر، شادتر و بادوام‌تری دارند (آنتیل، ۱۹۸۳؛ لئو و کلونن<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۵). میزان مشخصی از همانندی در زوج‌ها، تشابه در نگرش‌ها می‌باشد. شباهت نگرش‌ها به این موضوع اشاره می‌کند که میزان تشابه نگرش یک فرد، تا چه اندازه مشابه فرد دیگر است (موره<sup>۱۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۷). عامل دیگری که رضایت زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد، «آشنایی با نگرش‌های همسر» است. این عامل که ساختاری جدید است و اخیراً توسعه یافته، به‌طور خاص به آگاهی از نگرش فرد دیگر اشاره دارد. به‌طور کلی، زوج‌ها تمایل به داشتن ادراک دقیق‌تر از یکدیگر دارند. هرچه میزان آگاهی زوج از نگرش‌های شریک زندگی‌شان بیشتر باشد، در نتیجه ارتباط آن‌ها موفقیت‌آمیزتر بوده و منجر به احساس شادکامی بیشتر و رضایت بیشتر از رابطه می‌شود. تحقیقات نشان داده زوجینی که با نگرش‌های یکدیگر آشنایی بیشتری دارند، تعاملات مثبت و اعتمادبه‌نفس بیشتری در زندگی روزمره دارند؛ همچنین مشاجره کمتر، رفتارهای حمایتی بیشتر و سطح بالاتری از دلبستگی را دارند و یکدیگر را کمتر می‌رنجانند (موره و همکاران، ۲۰۱۷).

علاوه بر این، آشنایی با نگرش‌های همسر برای حمایت از یکدیگر، اجتناب از تعارض و حفظ روابط نزدیک حیاتی است (سانبونماستو<sup>۱۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۲).

بر اساس نتایج برخی پژوهش‌ها، بین هماهنگی نگرش‌ها و آشنایی با نگرش‌های همسر، رابطه مثبت وجود دارد. با این حال، تحقیقات پیشین نشان می‌دهد هماهنگی و آشنایی با نگرش‌ها، در حالی که هم‌پوشانی دارند، از یکدیگر متمایزند. آشنایی با نگرش، یک سازه متمایز از شباهت نگرش است که ممکن است برای بهبود عملکرد رابطه ضروری باشد. (سانبونماستو و همکاران، ۲۰۱۲).

مؤلفه دیگری که بر رضایت زناشویی تأثیر می‌گذارد، «هماهنگی ارزش‌های زوجین» است. از نظر آلپورت (۱۹۶۰)، ارزش‌ها صفات شخصیت هستند و آن‌ها عمیق‌ترین علایق و انگیزه‌های ما را نمایش می‌دهند (شولتز و شولتز، ۱۳۹۶). محققان عموماً موافق هستند که شباهت‌های قابل توجهی در ارزش‌ها بین زوجین وجود دارد و شباهت زوجین در ارزش‌ها، ازدواج‌های موفق‌تری را رقم می‌زند (پی‌لیان چی و همکاران، ۲۰۲۰). گانت<sup>۱۳</sup> (۲۰۰۶) در پژوهشی نشان داد که شباهت در حوزه ارزش‌ها، یک رابطه قوی و سازگار با رضایت از رابطه به دنبال دارد (به نقل از مور و همکاران، ۲۰۱۷).

اگرچه تحقیقات درباره رضایت زناشویی برای مدت طولانی و با طیف وسیعی از متغیرها انجام شده است، از نظر مفهومی، نتایج کاملاً رضایت‌بخش نیست (نورحیاتی و هلمی، ۲۰۱۹). در سال‌های اخیر، آمار طلاق به دلایل مختلف رو به افزایش بوده و رضایت زناشویی به شدت کاهش یافته است (ژنگ و لیانگ<sup>۱۴</sup>، ۲۰۲۳). با توجه به اینکه مردم صرفاً نمی‌خواهند ازدواج کنند، بلکه می‌خواهند با کسی که دوستش دارند ازدواج کنند و تا آخر عمر عاشق هم بمانند (کارنی، بردبری، ۲۰۲۰)، بی‌بدن به عوامل مؤثر در پیش‌بینی رضایت زناشویی، حائز اهمیت است. در بیشتر پژوهش‌های بررسی رضایت زناشویی، به لحاظ تاریخی، روابط خطی ساده بین متغیرها را بررسی کرده‌اند (عارفی و محسن‌زاده، ۱۳۹۱). همچنین در بحث نگرش‌ها، فقط به بررسی زیرمقیاس‌های آن به‌طور جداگانه توجه شده است؛ از جمله رابطه بین نگرش و کنش اخلاقی و رضایت زناشویی (پری<sup>۱۵</sup>، ۲۰۱۸؛ شلدون، گیلکریست و لسلی<sup>۱۶</sup>، ۲۰۱۴؛ سیفی‌قوزلو و همکاران، ۱۳۹۲)، نگرش مذهبی با رضایت زناشویی (عظیمی و حبی، ۱۴۰۱؛ رسولی شربانی و نام‌آور، ۱۳۹۵؛ مشیریان فراچی و همکاران، ۱۳۹۵؛ گورنتز<sup>۱۷</sup>، ۲۰۱۷؛ کاسینک<sup>۱۸</sup>، ۲۰۱۷؛ پاشایی، بهرامی و حانمی، ۱۳۹۲)، نگرش به تقسیم کار در منزل و مراقبت از فرزندان و رضایت زناشویی (نورانی و سراج، ۲۰۱۹؛ جیلسپای<sup>۱۹</sup> و همکاران، ۲۰۱۹؛ بلوم، کرایکمپ و وربکل<sup>۲۰</sup>، ۲۰۱۷؛ کیان و سایه<sup>۲۱</sup>، ۲۰۱۶؛ کارلسون، هنسون و فیتزروی<sup>۲۲</sup>، ۲۰۱۶؛ براندن<sup>۲۳</sup> و همکاران، ۲۰۱۶)، نگرش به نقش جنسیتی و رضایت زناشویی (یو<sup>۲۴</sup>، ۲۰۲۰؛ کائو<sup>۲۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۹؛ هورن و جانسون<sup>۲۶</sup>، ۲۰۱۸؛ سانتورنکانیت و وارما<sup>۲۷</sup>، ۲۰۱۸؛ هلمز<sup>۲۸</sup> و همکاران، ۲۰۱۸؛ خطیبی، ۱۳۹۴)، نگرش جنسی و رضایت زناشویی (خوشیخت و قربانعلی، ۱۳۹۶؛ بشارت و رفیع‌زاده، ۱۳۹۵)، نگرش به ناباروری زنان و رضایت زناشویی (حقایق، ۱۳۹۹)، نگرش به خیانت و رضایت زناشویی (ایسما و تارنیپ<sup>۲۹</sup>، ۲۰۱۹؛ زنگنه و همکاران، ۱۴۰۱)، نگرش به نقش زنان و رضایت زناشویی (کیم و نام<sup>۳۰</sup>، ۲۰۱۹)، نگرش به درآمد و امور مالی و رضایت زناشویی (توتنهاگن<sup>۳۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۹) تمرکز شده است. بنابراین، پژوهش‌های اندکی در ارتباط با هماهنگی نگرش‌ها و آشنایی با نگرش‌های همسر (مور و همکاران، ۲۰۱۷؛ سانبونمتسو و همکاران، ۲۰۱۲؛ آچینو و همکاران، ۲۰۱۱؛ مطیعی، برجعلی و تقوایی، ۱۳۹۳) صورت گرفته است. همچنین در بحث هماهنگی

ارزش‌های زوجین، پژوهش‌ها انگشت‌شمار است (مطیعی، برجلی و تقوایی، ۱۳۹۳؛ سیفی فوزلو و همکاران، ۱۳۹۲؛ صدیق اورعی و اصغرپور ماسوله، ۱۳۸۸؛ گانت، ۲۰۰۶؛ لیتزینگر و گوردون<sup>۳۲</sup>، ۲۰۰۵). گرچه پژوهش‌های موجود در پی برآورد میزانی از واریانس رضایت زناشویی بوده‌اند (عارفی و محسن‌زاده، ۱۳۹۱)، تاکنون تحقیقی که به‌صورت مستقیم به بررسی تأثیر مؤلفه‌های هماهنگی نگرش‌ها، آشنایی با نگرش‌های همسر و ارزش‌های زوجین بر رضایت زناشویی پرداخته باشد، صورت نگرفته است. همچنین، طبق پیشینه پژوهشی، به نظر می‌رسد درباره آشنایی با نگرش همسر و تأثیر آن بر رضایت زناشویی، پژوهشی در ایران انجام نشده است. بنابراین، نتایج این پژوهش می‌تواند در افزایش رضایت زناشویی زوجین، مفید و مؤثر باشد. به این ترتیب، مسئله اصلی این پژوهش آن است که دریابد هماهنگی نگرش‌های زوجین، آشنایی با نگرش‌های همسر و هماهنگی ارزش‌های زوجین، تا چه میزان می‌تواند پیش‌بینی‌کننده رضایت زناشویی باشد. پاسخ این سؤال می‌تواند در مشاوره پیش از ازدواج مورد توجه قرار گیرد و همچنین در جلسات زوج‌درمانی می‌تواند به شناخت بیشتر زوجین از یکدیگر و رضایت بیشتر کمک کند.

## روش

### جامعه آماری، روش نمونه‌گیری، حجم نمونه و فرایند اجرای پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی و از نوع مطالعات همبستگی است که در آن هماهنگی نگرش‌ها، آشنایی با نگرش‌های همسر و ارزش‌های زوجین، متغیرهای پیش‌بین و رضایت زناشویی متغیر ملاک است. جامعه آماری این پژوهش زوجین ساکن شهر تهران و کرج بودند. روش نمونه‌گیری به‌صورت در دسترس بود. ابتدا به شرکت‌کنندگان، در ارتباط با محرمانه‌بودن اطلاعات و عدم‌ذکر نام آنان در پژوهش اطمینان داده شد؛ همچنین درباره هدف پژوهش، موضوع مورد مطالعه و ابزار آن، توضیحات لازم ارائه و از علاقه‌مندی آن‌ها به پاسخ‌گویی به پرسش‌نامه‌ها اطمینان حاصل شد.

ملاک‌های ورود به پژوهش عبارت بود از: داشتن حداقل مدرک دیپلم، گذشت حداقل یک سال از ازدواج، محدوده سنی ۲۰ تا ۵۵ سال. ملاک خروج از پژوهش عبارت بود از: عدم تمایل به همکاری یکی از زوجین. بر اساس فرمول گرین<sup>۳۳</sup> (۱۹۹۱)، حداقل حجم نمونه در پژوهش حاضر، ۱۰۷ نفر به دست آمد که برای اطمینان از حجم نمونه و کاهش ضریب خطا، ۲۵۸ نفر، شامل ۱۲۹ زوج، در این پژوهش مورد ارزیابی قرار گرفتند. بعد از بررسی پرسش‌نامه‌ها و احراز ملاک‌های ورود و خارج کردن پرسش‌نامه‌های ناقص، ۱۲۶ زوج (شامل ۲۵۲ نفر) از آزمودنی‌ها انتخاب شدند. در این پژوهش، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. از آمار توصیفی برای محاسبه فراوانی‌ها، درصد فراوانی، درصد تراکمی، میانگین، انحراف استاندارد، جدول‌ها و نمودارها باری ارائه وضعیت گروه نمونه پژوهش استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش و برای بررسی فرضیه‌های تحقیق، از روش همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد. شایان ذکر است همه مراحل و عملیات‌های تجزیه و تحلیل آماری، با استفاده از نرم‌افزار SPSS-25 صورت گرفت. ضمناً در تمامی آزمون‌ها سطح زیر ۰.۰۵ معنی‌دار تلقی گردید.

## نحوه تحلیل پرسش‌نامه‌ها

با توجه به اینکه پرسش‌نامه‌های موجود، فقط زیرمقیاس‌های نگرش را به‌طور جداگانه بررسی کرده‌اند و پرسش‌نامه ایرانی هنجاریابی‌شده‌ای که نگرش زوج را به‌طور کلی به دست آورد موجود نبود، در این پژوهش، برای به‌دست‌آوردن نگرش زوجین، از پرسش‌نامه اسپانیر استفاده شد. به این صورت که شرکت‌کنندگان به تمامی سؤال‌های پرسش‌نامه اسپانیر پاسخ دادند، ولی در تحلیل داده‌ها فقط از سؤالات مربوط به زیرمقیاس توافق استفاده شد که سؤال‌های ۱، ۲، ۳، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵ بود. در واقع، سؤالات مربوط به توافق، همان تشابه نگرش‌های زوجین را در حیطه‌های مختلف می‌سنجد؛ مانند توافق در درآمد و امور مالی، تفریحات، مسائل مذهبی، اهداف، کارهای خانه، تصمیمات تحصیلی و شغلی و... . مجموع این سؤالات در پرسش‌نامه زن و مرد به‌طور مجزا محاسبه و سپس بین مجموع نمرات زن و مرد میانگین گرفته شد و عدد حاصل هماهنگی نگرش‌های زوجین را نتیجه داد.

همچنین برای به‌دست‌آوردن آشنایی با نگرش‌های همسر، پرسش‌نامه ایرانی هنجاریابی‌شده‌ای موجود نبود. در نتیجه برای آشنایی با نگرش‌های همسر، شرکت‌کنندگان به تمامی سؤال‌های پرسش‌نامه اسپانیر پاسخ دادند، ولی در تحلیل داده‌ها فقط از سؤالات مربوط به زیرمقیاس توافق استفاده شد که سؤال‌های ۱، ۲، ۳، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵ بود. بین سؤالات ذکرشده در هر زوج، همبستگی گرفته شد و عدد حاصل، نمره آشنایی با نگرش همسر را نتیجه داد.

برای به‌دست‌آوردن هماهنگی ارزش‌های زوجین، ابتدا نمره ارزش زن و مرد، به‌طور مجزا در هر زیرمقیاس حساب شد. با توجه به اینکه پرسش‌نامه دارای شش زیرمقیاس بود (شامل ارزش اقتصادی، نظری، هنری، اجتماعی، سیاسی، مذهبی و نظری)، برای هر زن و مرد شش عدد ارزش به دست آمد. سپس، بین اعداد ارزش زن و مرد، همبستگی گرفته شد و عدد حاصل هماهنگی ارزش‌های زوجین را نتیجه داد.

برای به‌دست‌آوردن رضایت زناشویی، جمع نمرات سؤال‌های پرسش‌نامه تکمیل‌شده توسط زن و مرد به‌طور جداگانه، محاسبه شد. برای به‌دست‌آوردن رضایت زناشویی زوج، میانگین نمرات زن و مرد به‌طور جداگانه به دست آمد.

در نهایت، برای به‌دست‌آوردن رابطه‌ی رضایت زناشویی با هریک از متغیرهای بالا، از همبستگی استفاده شد و برای اینکه آیا این متغیرها پیش‌بینی‌کننده رضایت زناشویی هستند یا خیر، از رگرسیون استفاده گردید. کارهای گفته‌شده توسط نرم‌افزار Spss-25 انجام شد.

## ابزارهای سنجش

در این پژوهش از سه پرسش‌نامه استفاده شد که در زیر شرح هریک آمده است:

**پرسش‌نامه رضایت زناشویی انریج**<sup>۳۴</sup>: این پرسش‌نامه به مثابه یک ابزار معتبر، در پژوهش‌های متنوعی برای سنجش رضایت زناشویی استفاده شده است. اولسون<sup>۳۵</sup> (۱۹۹۳) که از این پرسش‌نامه برای بررسی رضایت زناشویی استفاده کرده، معتقد است این مقیاس به تغییراتی که در طول دوره حیات آدمی رخ می‌دهد، مربوط می‌شود و در این خصوص، به تغییراتی که در خانواده به وجود می‌آید نیز حساس است. این

پرسش‌نامه دارای ۱۱۵ ماده می‌باشد و از دوازده خرده‌مقیاس تشکیل شده است. در این پژوهش، از فرم کوتاه این پرسش‌نامه، شامل ۳۵ پرسش و ۴ خرده‌مقیاس، استفاده شده است. خرده‌مقیاس‌ها عبارت‌اند از: تحریف آرمانی، رضایت زناشویی، ارتباطات و حل تعارض (ثنایی، ۱۳۸۸). برای هر یک از ماده‌های این پرسش‌نامه، پنج گزینه به صورت طیف لیکرت منظور شده که از ۰ تا ۴ (۰ بسیار کم تا ۴ بسیار زیاد) نمره‌گذاری می‌شوند. نمره بالاتر نشانه رضایتمندی بیشتر از زناشویی است (ثنایی، ۱۳۸۸). ضرایب آلفای پرسش‌نامه انریچ در گزارش اولسون، فورنیر و دراگمن (۱۹۸۹)، برای خرده‌مقیاس‌های تحریف آرمانی، رضایت زناشویی، مسائل شخصیتی، ارتباط، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، رابطه جنسی، فرزندان و فرزندآوری، خانواده و دوستان، نقش‌های مساوات‌طلبی به ترتیب از این قرار است: ۰.۹، ۰.۸۱، ۰.۷۳، ۰.۶۸، ۰.۷۵، ۰.۷۴، ۰.۷۶، ۰.۴۸، ۰.۷۷، ۰.۷۲، ۰.۷۱. ضریب آلفای خرده‌مقیاس‌های انریچ در چندین تحقیق متفاوت از ۰.۶۸ (برای نقش‌های مساوات‌طلبی) تا ۰.۸۶ (برای رضایت زناشویی) با میانگین ۰.۷۹ بوده است. پایایی بازآزمایی پرسش‌نامه در فاصله چهار هفته، بین ۰.۷۷ (برای فعالیت‌های اوقات فراغت) تا ۰.۹۲ (برای روابط جنسی و تحریف آرمانی) با میانگین ۰.۸۶ بوده است (ثنایی، ۱۳۸۸). ضریب همبستگی پرسش‌نامه انریچ با مقیاس‌های رضایت خانوادگی از ۰.۴۱ تا ۰.۶۰، و با مقیاس‌های رضایت زندگی از ۰.۳۲ تا ۰.۴۱ است که نشانه روایی سازه<sup>۳۶</sup> آن است. همه خرده‌مقیاس‌های این پرسش‌نامه زوج‌های راضی و ناراضی را متمایز می‌کند؛ این امر نشان می‌دهد که این پرسش‌نامه از روایی ملاک<sup>۳۷</sup> خوبی برخوردار است (ثنایی، ۱۳۸۸).

**پرسش‌نامه سازگاری زناشویی اسپانیر<sup>۳۸</sup> (DAS):** این مقیاس یک ابزار ۳۲ سؤالی، برای ارزیابی کیفیت رابطه زناشویی، از نظر زن یا شوهر یا هر دو نفری است که با هم زندگی می‌کنند. این ابزار برای چند هدف ساخته شده است. می‌توان با به‌دست‌آوردن کل نمرات، از این ابزار برای اندازه‌گیری رضایت کلی در هر رابطه صمیمانه استفاده کرد. این مقیاس چهار بعد رابطه را می‌سنجد. این چهار بعد از این قرارند: رضایت دونفری، همبستگی دونفری، توافق دونفری و ابراز محبت (ثنایی، ۱۳۸۸). مقیاس نمره‌گذاری زن و شوهر سه نوع مقیاس متفاوت رتبه‌بندی به دست می‌دهد. نمرات بالاتر نشان‌دهنده رابطه بهتر و سازگارتر است. سؤالات خرده‌مقیاس‌ها از این قرار است: رضایت زناشویی: ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۳۱، ۳۲؛ همبستگی دونفری: ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸؛ توافق دونفری: ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵؛ ابراز محبت: ۴، ۶، ۲۹، ۳۰. نمره‌گذاری بر اساس مقیاس لیکرت انجام می‌شود (اسپانیر، ۱۹۷۶). نمره کل مقیاس، با آلفای کرانباخ ۰.۹۶، از همسانی درونی خوبی برخوردار است. همسانی درونی خرده‌مقیاس‌ها بین خوب تا عالی است. رضایت دونفری ۰.۹۴، همبستگی دونفری ۰.۸۱، توافق دونفری ۰.۹۰ و ابراز محبت ۰.۷۳ (ثنایی، ۱۳۸۸). این مقیاس ابتدا با روش‌های منطقی روایی محتوا چک شد. مقیاس سازگاری زن و شوهر، با قدرت تمیزدادن زوج‌های متأهل و مطلقه در هر سؤال، روایی خود را برای گروه‌های شناخته‌شده نشان داده است. این مقیاس از روایی هم‌زمان نیز برخوردار است و با مقیاس رضایت زناشویی لاک والاس<sup>۳۹</sup> همبستگی دارد (ثنایی، ۱۳۸۸).

**پرسش‌نامه بررسی ارزش‌های آلپورت<sup>۴۰</sup> (SOV):** این پرسش‌نامه شامل ۴۵ آیتم، به‌منظور ارزیابی اهمیت نقش نسبی شش ارزش یا انگیزه اساسی در زندگی یک فرد تهیه شده است. این شش ارزش مبتنی بر سنخ‌شناسی آدمیان، بنا به نظر ادوارد اشپرانگر، فیلسوف آلمانی، است. این شش ارزش عبارت است از:

ارزش نظری، ارزش اقتصادی، ارزش زیبایی‌گرایی، ارزش اجتماعی، ارزش سیاسی و ارزش مذهبی. این آزمون در دو بخش تنظیم شده است که بخش اول شامل ۳۰ سؤال و بخش دوم شامل ۱۵ سؤال می‌باشد (آلپورت، ورنون، لیندزی، ۱۹۶۰).

سؤالات این آزمون «گزینه بایست» هستند؛ ضمناً در هر سؤال، دو یا چند ارزش نمره متفاوت می‌گیرند. به همین دلیل، این آزمون اهمیت نسبی ارزش‌های شش‌گانه را از نظر آزمودنی می‌سنجد، نه نیرومندی مطلق ارزش‌ها. بنابراین فرد نمی‌تواند در همه ارزش‌ها بالاترین نمره را داشته باشد. همان طور که گفته شد، بخش اول آزمون دارای ۳۰ سؤال می‌باشد که هر سؤال گزینه «الف» و «ب» دارد و در هر سؤال، جمع نمره‌هایی که آزمودنی به «الف» و «ب» می‌دهد، باید برابر با ۳ باشد. بخش دوم آزمون ۱۵ سؤال دارد که هر سؤال دارای گزینه «الف»، «ب»، «ج» و «د» است. در هر سؤال، جمع نمره‌هایی که آزمودنی به «الف»، «ب»، «ج» و «د» می‌دهد، باید برابر با ۱۰ باشد. پایایی این آزمون با روش‌های تصنیف (دو نیمه کردن) و بازآزمایی، در گروه‌های انگلیسی‌زبان مطالعه شده و حدود ۹۰ درصد می‌باشد که رضایت‌بخش است (آلپورت، ورنون، لیندزی، ۱۹۶۰). در راهنمای فنی آزمون، دربارهٔ روایی آن، حد متوسط گروه‌های شغلی مختلفی ارائه شده که نشان می‌دهد، مثلاً پرستاران در ارزش اجتماعی و مهندسان در ارزش اقتصادی بالاترند. روایی این پرسش‌نامه، بیشتر با روش مقایسهٔ گروه‌های شناخته‌شده بررسی شده است (آلپورت، ورنون، لیندزی، ۱۹۶۰). برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش و بررسی فرضیه‌های تحقیق، از روش همبستگی و رگرسیون استفاده شد.

## بیان یافته‌ها

دامنهٔ سنی شرکت‌کنندگان در پژوهش حاضر، ۲۰ تا ۵۵ سال بود. در این میان، گروه سنی ۳۰ تا ۴۰ سال، با میزان ۴۵ درصد، بیشترین شرکت‌کننده و گروه سنی ۵۰ تا ۵۵ سال، با ۷ درصد، کمترین شرکت‌کننده را شامل شدند؛ همچنین از نظر سطح تحصیلات زوجین، مدرک تحصیلی فوق دیپلم، ۲۲ درصد و دیپلم ۲۱ درصد، بیشترین و لیسانس ۱۸ درصد، کمترین میزان فراوانی را تشکیل دادند. مدت‌زمان ازدواج ۲۸ درصد از شرکت‌کنندگان نیز در بازهٔ زمانی ۱ تا ۵ و ۱ درصد در بازهٔ زمانی ۲۵ تا ۳۰ سال قرار داشت. میانگین، انحراف استاندارد، کمترین و بیشترین نمرات متغیرهای پژوهش در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱: شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	کمترین	بیشترین
رضایت زناشویی	۹۸.۳۰	۱۸.۷۸	۵۲.۰۰	۱۵۴
هماهنگی نگرش‌ها	۳۵.۲۱۰	۱۳.۷۶۹	۱۱.۰۰	۵۴.۵۰
آشنایی با نگرش‌های همسر	-۱.۸۹	۲۹.۱۳	-۶۷.۴۴	۶۵.۲۲
هماهنگی ارزش‌ها	۱۳.۰۱۵	۵۴.۰۰۶	-۹۴.۵۶	۹۷.۷۴



جدول ۱ نشان می‌دهد بیشترین میانگین مربوط به هماهنگی ارزش‌هاست و پس از آن هماهنگی نگرش‌ها قرار دارد.

به‌منظور بررسی فرض نرمال بودن توزیع متغیرهای پژوهش، از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ درج شده است.

جدول ۲: آزمون کولموگروف - اسمیرنوف در مورد نرمال بودن توزیع نمره‌ها

متغیرها	آماره	سطح معناداری	چولگی	کشیدگی
رضایت زناشویی زوجین	۱.۱۲۱	۰.۱۶۲	۰.۲۰۸	۰.۵۴۵
هماهنگی نگرش‌ها	۱.۲۹۷	۰.۰۶۹	-۰.۱۶۷	-۱.۳۰۸
آشنایی با نگرش‌های همسر	۰.۶۸۱	۰.۷۴۳	-۰.۰۵۶	-۰.۵۵۷
هماهنگی ارزش‌ها	۱.۰۰۹	۰.۲۶۱	۰.۳۱۹	-۰.۸۰۴

همان‌طور که مشاهده می‌شود، برای رضایت زناشویی ( $p=0.162$ )، در هماهنگی نگرش‌های زوجین ( $p=0.069$ )، برای آشنایی با نگرش‌های همسر ( $p=0.743$ ) و در نهایت در هماهنگی ارزش‌های زوجین ( $p=0.261$ ) می‌باشد. در همه متغیرها، مقدار معنی‌داری بیشتر از مقدار  $0.05$  است. پس در متغیرها داده‌ها از توزیع نرمال برخوردارند. همچنین برای بررسی بیشتر از چولگی و کشیدگی استفاده شد. چولگی و کشیدگی در بازه  $-2$  و  $+2$  قرار دارد؛ در نتیجه، داده‌ها از توزیع نرمال برخوردارند.

جدول ۳: ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

رضایت زناشویی	هماهنگی نگرش زوجین	آشنایی با نگرش همسر	همبستگی ارزش زوجین
رضایت زناشویی	۱	۰/۵۷۱	۰/۵۵۱
هماهنگی نگرش زوجین	۰/۶۵۴	۱	۰/۴۸۹
آشنایی با نگرش همسر	۰/۵۷۱	۰/۷۵۶	۱
همبستگی ارزش زوجین	۰/۵۵۱	۰/۴۸۹	۰/۴۲۹

جدول ۳ نشان می‌دهد که ضریب همبستگی پیرسون بین رضایت زناشویی و هماهنگی نگرش‌های زوجین،  $0.654$  ارائه شده که در سطح معناداری ( $p=0/001$ ) معنادار است. ضریب همبستگی پیرسون بین رضایت زناشویی و آشنایی با نگرش‌های همسر،  $0.571$  ارائه شده که در سطح معناداری ( $p=0/001$ ) معنادار است. ضریب همبستگی بین رضایت زناشویی و هماهنگی ارزش‌های زوجین،  $0.551$  ارائه شده که در سطح معناداری ( $p=0/001$ ) معنادار است. پس می‌توان نتیجه گرفت که بین رضایت زناشویی با هماهنگی نگرش‌های زوجین، آشنایی با نگرش‌های همسر و هماهنگی ارزش‌های زوجین، رابطه خطی معناداری وجود دارد.

هماهنگی نگرش‌های زوجین، آشنایی با نگرش‌های همسر و هماهنگی ارزش‌های زوجین، رضایت زناشویی را پیش‌بینی می‌کند. به‌منظور بررسی یافته فوق، از آزمون رگرسیون چندمتغیری استفاده شد. نتایج در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴: نتایج رگرسیون برای پیش‌بینی رضایت زناشویی زوجین، بر اساس هماهنگی نگرش‌های زوجین، آشنایی با نگرش‌های زوجین

منابع تغییر	ضریب همبستگی	ضریب همبستگی	مجدور ضریب همبستگی تعدیلی	جمع مجدورات آزادی	درجه آزادی	مجدور میانگین	F همسر و هماهنگی ارزش‌های زوجین	سطح معناداری
رگرسیون	۰.۷۱۱	۰.۵۰۶	۰.۴۹۴	۸۹۲۶۷.۰۱۹	۳	۲۹۷۵۲.۳۴۰	۴۱.۶۵۰	۰.۰۰۱
باقی‌مانده				۸۷۱۴۹.۱۴۰	۱۲۲	۷۱۴.۳۳۷		
کل				۱۷۶۴۰۶.۱۵۹	۱۲۵			

جدول ۴ نشان می‌دهد که آزمون رگرسیون برای بررسی معنی‌داری مدل پیشنهادی درباره نقش هماهنگی نگرش‌های زوجین، آشنایی با نگرش‌های همسر و هماهنگی ارزش‌های زوجین در رضایت زناشویی انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد که F محاسبه شده (۴۱.۶۵۰) با درجه آزادی  $F=3$  و در سطح معناداری (۰/۰۰۱) است. بنابراین، مدل رگرسیون با سه متغیر معنی‌دار است. مقدار ضریب همبستگی رضایت زناشویی زوجین با هماهنگی نگرش‌های زوجین، آشنایی با نگرش‌های همسر و هماهنگی ارزش‌های زوجین برابر ۰.۷۱۱ و واریانس مشترک آن‌ها برابر با ۰.۵۰۶ است که به معنای آن است که هماهنگی نگرش‌های زوجین، آشنایی با نگرش‌های همسر و هماهنگی ارزش‌های زوجین ۵۰ درصد رضایت زناشویی زوجین را پیش‌بینی می‌کنند.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس متغیرهای هماهنگی نگرش‌های زوجین، آشنایی با نگرش‌های همسر و هماهنگی ارزش‌های زوجین بود. نتایج نشان داد که متغیرهای پیش‌بین در کنار یکدیگر، ۵۰ درصد رضایت زناشویی زوجین را پیش‌بینی می‌کنند. بین هماهنگی نگرش‌های زوجین با رضایت زناشویی رابطه معناداری وجود دارد و سهم بیشتری از واریانس رضایت زناشویی را تبیین می‌کند؛ به طوری که هماهنگی نگرش‌ها ۴۲ درصد پیش‌بینی‌کننده رضایت زناشویی بود. این یافته همسو با کریم و رافکیو<sup>۴۱</sup> (۲۰۲۱)، کریمی، بختیاری و مسجدی، (۲۰۱۹)، لو<sup>۴۲</sup> (۲۰۱۷)، موره و همکاران (۲۰۱۷)، جورج<sup>۴۳</sup> و همکاران (۲۰۱۵)، مطیعی، برجلی و تقوایی، (۱۳۹۳)، مشیریان فراچی و همکاران (۱۳۹۵) بود. بنا بر نتایج این پژوهش، افراد به شدت می‌خواهند شریک ایدئالشان شبیه خودشان باشد و به دنبال سطوح متفاوت شباهت، در حوزه‌های مختلف هستند. همچنین افراد به دنبال شباهت نسبی در ارزش‌ها و نگرش‌ها هستند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که شباهت زوجین با دو پیامد روان‌شناختی مهم مرتبط است: ثبات رابطه و رضایت زناشویی (لو، ۲۰۱۷). زوج‌هایی که شباهت زیادی با هم ندارند، به احتمال بیشتر از یکدیگر جدا می‌شوند (باکون<sup>۴۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۴). در تبیین این یافته، می‌توان گفت برای اینکه زوجین از باهم‌بودن لذت ببرند و احساس شادمانی کنند، لازم است در حیطه‌های مختلف زندگی با همدیگر توافق داشته باشند. تشابه نگرش، استرس میان‌فردی را کاهش می‌دهد و افسردگی کمتر و در نتیجه رضایت‌مندی بیشتر را به دنبال دارد (موره و همکاران، ۲۰۱۷). نگرش‌ها نقش مهمی در رفتار و روابط بین فردی ایفا می‌کنند. اگر زن و شوهر، هر دو، به نوع و سطح روابط کلامی و غیرکلامی، روابط جنسی، پایبندی‌های مذهبی، مسائل مالی، تقسیم کار در منزل،

انعطاف‌پذیری نسبت به خانواده یکدیگر، گذران اوقات فراغت و تعداد و نوع تربیت فرزندان، نگاه نسبتاً مشابهی داشته باشند، اختلاف‌نظرها و تعارضات کاهش می‌یابد و کیفیت زندگی بالاتر می‌رود؛ در نتیجه رضایت زناشویی بیشتر می‌شود. پس اگر بین نگرش‌های زوجین هماهنگی وجود داشته باشد، روابط بین فردی آن‌ها بهبود می‌یابد و روابط نزدیک‌تر و پایدارتری را تجربه می‌کنند که به رضایت زناشویی بالاتر می‌انجامد.

همچنین نتایج حاکی از آن است که آشنایی با نگرش‌های همسر می‌تواند به‌طور معناداری رضایت زناشویی را پیش‌بینی کند؛ به‌طوری که آشنایی با نگرش‌های همسر، ۳۲ درصد پیش‌بینی‌کننده رضایت زناشویی بود. این یافته همسو با موره و همکاران (۲۰۱۷)، سانبونمتسو و همکاران (۲۰۱۲)، سانبونمتسو، آچینو، بیرمینقام<sup>۴۵</sup> (۲۰۱۱) بود. زوج‌هایی که علایق یکدیگر را می‌دانند و نگرش‌های همسرشان را می‌شناسند، همراهان بهتری برای یکدیگر هستند. آن‌ها تعارضات کمتر و دلبستگی بیشتری را تجربه می‌کنند و تمایل دارند که به نیازهای یکدیگر احترام بگذارند و کمتر یکدیگر را ناراحت کنند (سانبونمتسو و همکاران، ۲۰۱۲). آشنایی با نگرش‌های همسر، روابط بین فردی بهتر (مانند پاسخ‌گویی بیشتر شریک)، پایین‌آمدن فشارخون در زندگی روزمره (سانبونمتسو، آچینو، بیرمینقام، ۲۰۱۱) و اعتمادبه‌نفس بالاتر در زندگی روزمره (موره و همکاران، ۲۰۱۷) را به دنبال دارد. پژوهشگران دریافته‌اند که درمیان‌گذاشتن شباهت‌ها با همسر، خود - تأییدی را تقویت می‌کند، درک را بهبود می‌بخشد و صمیمیت را افزایش می‌دهد (لو، ۲۰۱۷). در تبیین این نتیجه می‌توان گفت، دلیل اهمیت آشنایی با نگرش‌های همسر آن است که نگرش‌ها اغلب تأثیرات مهمی بر رفتار به جای می‌گذارند و رفتارها و ارتباطات را شکل می‌دهند. اگر رفتار متأثر از نگرش باشد، اطلاع از نگرش همسر می‌تواند در گستره وسیع، به پیش‌بینی رفتار منجر شود؛ در نتیجه، زوجین می‌توانند در موقع نیاز، رفتارهای حمایتی مؤثری بروز دهند که باعث اجتناب از درگیری، شادکامی بیشتر، حفظ روابط نزدیک و صمیمیت زوج شود و نیز عملکرد بین فردی آن‌ها بهبود یابد. به این ترتیب، عمق و غنای رابطه بهبود می‌یابد و منجر به استحکام رابطه و رضایت زناشویی بیشتر می‌شود.

در انتها، نتایج پژوهش نشان داد که هماهنگی ارزش‌های زوجین می‌تواند به‌طور معناداری رضایت زناشویی را پیش‌بینی کند؛ به‌طوری که هماهنگی ارزش‌های زوجین ۳۰ درصد پیش‌بینی‌کننده رضایت زناشویی می‌باشد. این یافته همسو با دوبرووسکا<sup>۴۶</sup> و همکاران، (۲۰۲۰)، لیکاس<sup>۴۷</sup> و همکاران (۲۰۱۸)، لو (۲۰۱۷)، سیفی‌قوزلو و همکاران (۱۳۹۴)، مطیعی، برجعلی و تقوایی (۱۳۹۳)، سیفی‌قوزلو و همکاران (۱۳۹۲)، صدیق‌اورعی و اصغرپور ماسوله (۱۳۸۸)، گانت (۲۰۰۶)، لیتزینگر و گوردون (۲۰۰۵)، بود. در تبیین فرضیه فوق، می‌توان گفت ارزش‌ها در انتخاب، تفسیر و توجیه رفتار خود و دیگران به کار می‌روند و شخص برای تصمیم‌گیری از آن‌ها استفاده می‌کند. نوع زندگی ما و چگونگی روابط و رفتارمان با دیگران، به‌طور مستقیم، از ارزش‌ها و اصول اخلاقی ما تأثیر می‌پذیرد (سیفی‌قوزلو و همکاران، ۱۳۹۲). هماهنگی ارزش‌ها به معنی توافق کردن زوجین بر رفتار مناسب، تشخیص منصفانه بودن مسائل و بایدها و نبایدها بر مبنای نظام ارزشی زوجین می‌باشد. اگر هماهنگی ارزشی بین زوجین نباشد، زوجین نمی‌توانند بر سر درست و غلط بودن مسائل، آنچه باید انجام شود یا نشود و نیز منصفانه بودن مسائل به توافق برسند. اگر زوجین ارزش‌ها و باورهای مشابهی نداشته باشند، انتظاراتشان از یک موقعیت و به‌عبارت دیگر هنجارهای مورد

قبول‌شان دربارهٔ یک امر معین، به احتمال زیاد ناهماهنگ خواهد بود. (صدیق‌اورعی و اصغریور ماسوله، ۱۳۸۸). عدم‌تشابه در ارزش‌ها و عقاید، منجر به ناراحتی افراد می‌شود و تمایل برای قطع ارتباط را افزایش می‌دهد. همچنین ارزش‌ها می‌توانند به‌عنوان معیارهای رفتار، عمل کرده و افراد بر اساس آن‌ها، مناسبات خود را در رابطهٔ زناشویی تنظیم کنند. بنابراین اگر زوجین، هماهنگی در ارزش‌ها داشته باشند، بر سر رفتار مناسب، راحت‌تر به توافق رسیده و اختلاف‌نظر کمتری را در رابطه تجربه می‌کنند و در نتیجه، رضایت زناشویی افزایش می‌یابد.

در مجموع، نتایج به‌دست‌آمده از این پژوهش مبین نقش هماهنگی نگرش‌های زوجین، آشنایی با نگرش‌های همسر و هماهنگی ارزش‌های زوجین بر رضایت زناشویی بود. این یافته‌ها نشان می‌دهد که ممکن است بتوانیم با تلاش برای شناخت بیشتر نگرش‌های خودمان و شریک زندگی‌مان، تعاملات مثبت‌تری در رابطه داشته باشیم و در نتیجه رضایت زناشویی را بهبود ببخشیم. علاوه بر این، آشنایی با ارزش‌های یکدیگر نیز نقش مهمی در بهبود روابط زوجی دارد که باید به آن نیز در تعاملات زوج دقت شود. در واقع، یک مداخله برای زوج‌هایی که تلاش می‌کنند تا روابط خود را بهبود بخشند، ممکن است تلاش متمرکز بر یادگیری و شناخت بیشتر دربارهٔ نگرش‌های خود و نگرش‌های همسر و ارزش‌های یکدیگر باشد. تلاش‌هایی برای ایجاد زمینه‌های مشترک یا یادگیری بیشتر دربارهٔ همسر، می‌تواند به ما کمک کند تا میزان درگیری را کاهش دهیم و رضایت بیشتری از رابطه داشته باشیم. این امر علاوه بر بهبود روابط بین فردی، در نهایت می‌تواند احساس رفاه ما را افزایش دهد (موره و همکاران، ۲۰۱۷) و منجر به افزایش بهزیستی روان‌شناختی شخصی و سلامت عمومی در زوجین شود (ایران‌دوست و همکاران، ۲۰۱۸).

این پژوهش نیز مانند پژوهش‌های دیگر دارای محدودیت‌هایی است که تعمیم‌پذیری آن را به جامعه با مشکلاتی همراه می‌سازد. در پژوهش حاضر، رابطهٔ بین متغیرها، از طریق همبستگی بررسی شده است. از این‌رو، نباید از نتایج این پژوهش روابط علت‌ومعلولی استنباط شود. همچنین جامعهٔ آماری مورد مطالعهٔ زوجین ۲۰ تا ۵۵ سال، شهرهای تهران و کرج بوده است؛ بنابراین، در تعمیم نتایج پژوهش به سایر جوامع آماری باید جانب احتیاط را رعایت کرد. با توجه به نتایج به‌دست‌آمده که بیانگر اهمیت سازه‌های هماهنگی نگرش‌ها، آشنایی با نگرش‌های همسر و هماهنگی ارزش‌های زوجین است، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی، رابطهٔ این متغیرها با سازه‌های مختلف در خانواده، مانند استحکام خانواده، کیفیت زندگی زوجین و... مورد بررسی قرار گیرد.

## پی‌نوشت‌ها

- |                              |                          |
|------------------------------|--------------------------|
| 1. Kasapoğlu & Yabanigül     | 25. Cao                  |
| 2. Karney & Bradbury         | 26. Horne & Johnson      |
| 3. Zhang & Liang             | 27. Suntornkanit & Varma |
| 4. Markman & Hahlweg         | 28. Helms                |
| 5. Gyesook Yoo & Susanna Joo | 29. Isma & Turnip        |
| 6. Twenge                    | 30. Kim & Nam            |
| 7. Murstein                  | 31. Totenhagen           |

- |                                  |  |
|----------------------------------|--|
| 8. Peilian Chi                   | 32. Litzinger & Gordon                     |
| 9. Sanbonmatsu                   | 33. Green                                  |
| 10. Luo & Klohnen                | 34. Enrich                                 |
| 11. Moore                        | 35. Olsun                                  |
| 12. Sanbonmatsu                  | 36. Construct Validity                     |
| 13. Gaunt                        | 37. Criterion Validity                     |
| 14. Zhang & Liang                | 38. Spanir                                 |
| 15. Perry                        | 39. Locke-Wallace Marital Adjustment Scale |
| 16. Sheldon, Gilchrist & Lessley | 40. Allport                                |
| 17. Gurrentz                     | 41. Kazim & Rafique                        |
| 18. Kasinec                      | 42. Luo                                    |
| 19. Gillespie                    | 43. George                                 |
| 20. Blom, Kraaykamp & Verbakel   | 44. Bacon                                  |
| 21. Qian & Saye                  | 45. Birmingham                             |
| 22. Carlson, Hanson & Fitzroy    | 46. Dobrowolska                            |
| 23. Brandén                      | 47. Leikas                                 |
| 24. Yoo                          |  |

## منابع

- ایران‌دوست، ر.، ملیحی‌الذاکرینی، س.، سهرابی، ف.، و آهی، ق. (۱۳۹۷). الگوی علی روابط بین عملکرد جنسی بر پایه باورهای بدکارکردی جنسی با میانجی‌گرایی روان‌شناختی و ابعاد صمیمیت زناشویی. *فصلنامه فرهنگی‌تربیتی زنان و خانواده*، ۱۳(۴۵)، ۱۳۵-۱۵۲.
- ثنایی، ب. (۱۳۸۸). *مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج*. تهران: بعثت.
- حقایق، س. ع. (۱۳۹۹). اثربخشی درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد بر تاب‌آوری، رضایت زناشویی و نگرش نسبت به نابرابری زنان نابارور. *مجله روانشناسی و روانپزشکی شناخت*. ۷(۲)، ۲۵-۱۳.
- خوشیخت، ن.، و قربان‌علی‌الله‌باری، س. (۱۳۹۶). رابطه دانش و نگرش جنسی با رضایت زناشویی در زوجین شهر تهران، سومین کنفرانس توانمندسازی جامعه در حوزه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تهران.
- زنگنه، آ.، و عارفی، م. (۱۴۰۱). پیش‌بینی نگرش به خیانت زناشویی بر اساس سبک‌های حل تعارض، رضایت و بخشودگی زناشویی زوجین شهر کرمانشاه، *مطالعات اسلامی ایرانی خانواده*. ۲(۱)، ۶۲-۷۷.
- رحمانی، ا. (۱۳۷۵). بررسی ارزش‌های اجتماعی بین زوجین ناسازگار شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، گروه روان‌شناسی، دانشکده روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- رسولی شربیانی، ر.، نام‌آور، ل. (۱۳۹۵). تأثیر باورهای مذهبی و امیدواری بر رضایت زناشویی در زوج‌های نابارور، *مطالعات روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۴، ۲۰۰-۱۸۹.
- سیفی‌قوزلو، س. ج.، حمیدی، ا.، شریفی، گ.، خلیلی، ش. (۱۳۹۴). رابطه بین اخلاق، ارزش‌های شخصی و رضایت زناشویی در بین زوجین در شهر مغان. *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۱۳۰-۱۱۶.
- صدیق‌اورعی، غ.، اصغرپور ماسوله، ا. (۱۳۸۸). عدم توافق ارزشی و تأثیر آن بر ناسازگاری زوجین در مشهد، *مطالعات اجتماعی ایران*، ۳(۳)، ۱۷-۳۲.
- عارفی، م.، محسن‌زاده، ف. (۱۳۹۱). سبک‌های دلبستگی، فرایندهای تعامل زناشویی و رضایت زناشویی: مدل معادلات ساختاری (برازش مدل خانواده‌درمانی). *فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده*، ۳، ۳۰۶-۲۸۸.

عظیمی، ز.، و حبیبی، ا. (۱۴۰۱). پیش‌بینی رضایت مندی زناشویی براساس نگرش مذهبی و بخشش در زنان خانواده نظامی، *مجله روانشناسی نظامی*، ۱۳(۴۹)، ۱۸۶-۱۶۵.

مشیریان فراچی، س. م.، اصغری ابراهیم آبادی، م. ج.، رزاقی کاشانی، ش.، و توکلی، ح. (۱۳۹۵). ارتباط نگرش مذهبی با میزان رضایت زناشویی، سلامت روان‌شناختی و تاب‌آوری، در کارمندان زندان، پژوهش در دین و سلامت، ۲(۲)، ۲۴-۳.

مطیعی، ز.، برجعلی، ا.، و تقوایی، د. (۱۳۹۳). نقش واسطه‌ای قصه عشق در رابطه با طرحواره‌های ناسازگار اولیه و رضایت زناشویی. *مجله علوم رفتاری*، ۸(۳)، ۳-۱۸.

نیکولز، م. (۱۳۹۳). *خانواده‌درمانی، نظریه‌ها، مفاهیم و روش‌ها*. ویراست نهم. تهران: انتشارات رشد.

- Arefi, M., Mohsenzadeh, F. (2012). Attachment Styles, Marital Interactional Processes and Marital Satisfaction: Model of Structural Equation (Fitting Model of Family therapy). *Family Counseling and Psychotherapy*, 2(3), 288-306 [In Persian].
- Allport, G., Vernon, P., & Lindzey, G. (1970). *Study of values: a scale for measuring the dominant interests in personality*. Boston: Houghton Mifflin: Libraries Australia.
- Antill, J. K. (1983). Sex role complementarity versus similarity in married couples. *Journal of Personality and Social Psychology*, 45(1), 145-155.
- Azimi, Z., & Hobbi, M. B. (2022). Predicting Marital Satisfactions Based on Religious Attitude and Forgiveness in Women of Military Families. *Military Psychology*, 13(49), 165-186 [in Persian].
- Bacon, P. M., Conte, A. & Moffatt, P. G. (2014). Assortative mating on risk attitude. *Theory and Decision*, 77(3), 389-401.
- Cao, H, Li, X, Chi, P. (2019). Within-couple configuration of gender-related attitudes and its association with marital satisfaction in Chinese marriage: A dyadic, pattern-analytic approach. *Journal of Personality*. 87, 1189- 1205.
- Chi, P., Wu, Q., Cao, H., Zhou, N., & Lin, X. (2020). Relationship-oriented values and marital and life satisfaction among Chinese couples. *Journal of Social and Personal Relationships*, 37(8-9), 2578-2596.
- Dobrowolska, M., Groyecka-Bernard, A., Sorokowski, P., Randall, A. K., Hilpert, P., Ahmadi, K., Alghraibeh, A. M., et al. (2020). Global Perspective on Marital Satisfaction. *Sustainability*, 12(21), 8817.
- Fowers, B., & Olson, D. (1993). Enrich Marital Satisfaction Scale: A Brief Research and Clinical Tool. *Journal of Family Psychology*, 7(2), 176-185.
- Gaunt, R. (2006). Couple similarity and marital satisfaction: Are similar spouses happier? *Journal of Personality*, 74(5), 1401-1420.
- Gillespie, B. J., Peterson, G, Lever, J. (2019) Gendered perceptions of fairness in housework and shared expenses: Implications for relationship satisfaction and sex frequency. *PLoS ONE*, 14(3), e0214204.
- Green, S. (1991). How Many Subjects Does It Take to Do a Regression Analysis? *Multivariate behavioral research*, 26(3), 499-510.
- Haghighyegh, S. A. (2020). The effect of treatment based on the acceptance and commitment therapy on infertility, satisfaction of marriage and attitude toward to the infertility in sterile women. *Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry*. 7(2), 13-25 [in Persian].
- Irandoost, R., Malihi Al-Zakerini, S., Sohrabi Osmord, F., & Ahi, Q. (2019). A Causal Model of Sexual Function Based on Sexual Dysfunctional Beliefs, Psychological Distress and Dimensions of Marital Intimacy. *The Women and Families Cultural-Educational*, 13(45), 135-152[in Persian].

- Jieun, Yoo. (2020). Gender role attitude, communication quality, and marital satisfaction among Korean adults, *Journal of Family Studies*. DOI:10.1080/13229400.2020.1791230
- Karimi R, Bakhtiyari M, Masjedi Arani A. (2019). Protective factors of marital stability in long-term marriage globally: a systematic review. *Epidemiol Health*. 41.e2019023.
- Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (2020). Research on Marital Satisfaction and Stability in the Challenging Conventional Wisdom. *Marriage Fam*, 82, 100-116.
- Kazim, S. M., & Rafique, R. (2021). Predictors of Marital Satisfaction in Individualistic and Collectivist Cultures: A Mini Review. *Journal of Research in Psychology*, 3(1), 55-67.
- Kim, T. H., Kim, E. & Nam, H. S. (2019). Attitudes toward Women's Roles, Marital Satisfaction, and Hwa-Byung among Korean Married Couples. *Int J Adv Counselling*, 41, 201-213.
- Luo, S. (2017). Assortative mating and couple similarity: Patterns, mechanisms, and consequences. *Soc Personal Psychol Compass*. 11: e12337.
- Moore, S., Uchino, B., Baucom, B., Behrends, A., & Sanbonmatsu, D. (2017). Attitude similarity and familiarity and their links to mental health: An examination of potential interpersonal mediators. *Journal of Social Psychology*, 157(1), 77-85.
- Moshirian Farahi, S. M. M., Asghare Ebrahim Abad, M. J., Moshirian Farahi, S. M., Razaghi Kashani, S., Tavakoli, H. (2016). The relationship between the religious attitudes with marital satisfaction and psychological health and resilience in prison officer. *JRRH*, 25-34 [in Persian].
- Motiee, Z., Borjali, A., & Taghvaie, D. (2014). The mediation role of love stories in regards to early maladaptive schemas and marital satisfaction. *International Journal of Behavioral Sciences*, 8(3), 219 [in Persian].
- Nichols, M. (1393). *Family therapy, theories, concepts and methods. Ninth edition*. Tehran: Roshd Publications [in Persian].
- Nourani, S., Seraj, F., Shakeri, M. T., & Mokhber, N. (2019). The Relationship Between Gender-Role Beliefs, Household Labor Division and Marital Satisfaction in Couples. *J Holist Nurs Midwifery*. 29 (1), 43-49.
- Nurhayati, S., Faturochman, F., & Helmi, A. (2019). Marital Quality: A Conceptual Review. *Buletin Psikologi*, 27(2), 109-124.
- Rahmani, A. (1996). *A study of social values between maladapted couples in Tehran*. Master Thesis, Department of Psychology, Faculty of Psychology, Allameh Tabatabai University [in Persian].
- Rasouli Sharbiani, R., Namavar, L. (2016). The effect of religious beliefs and hope on marital satisfaction in infertile couples. *Studies in Psychology and Educational Sciences*, 2(4), 189-200[in Persian].
- Sanai, B. (2017). *Family and marriage scales*. Tehran: Besaat Publications [in Persian].
- Sanbonmatsu, D. M., Uchino, B. N., Wong, K. K., & Yong Seo, J. (2012). Getting Along Better: The Role of Attitude Familiarity in Relationship Functioning. *Social Cognition*, 30(3), 350-361.
- Sanbonmatsu, D., Posavac, S., Vanou, S., Ho, E., & Fazio, R. (2007). The deautomatization of accessible attitudes. *Journal of Experimental Social Psychology*, 43(1), 365-378.
- Sanbonmatsu, D., Uchino, B., & Birmingham, W. (2011). On the Importance of Knowing Your Partner's Views: Attitude Familiarity is Associated with Better Interpersonal Functioning and Lower Ambulatory Blood Pressure in Daily Life. *Annals of Behavioral Medicine*, 41(1), 131-137.
- Sanbonmatsu, D., Uchino, B., Wong, K., & yong seo, j. (2012). Getting Along Better: The Role of Attitude Familiarity in Relationship Functionin. *Journal of Social Cognition*, 30(3), 350-361.

- Seifi Qozlu, Seyed Javad, Hamidi, Omid, Sharifi, Goshaw, Khalili, Shiva. (2015). The relationship between morality, personal values and marital satisfaction among couples in Moghan. *Family Counseling and Psychotherapy*, 5 (1), 116-130 [in Persian].
- Sointu, L., Ville-Juhani, I., Markku, V., Hanna-Leena, V., & Jan-Erik, L. (2018). Relationship satisfaction and similarity of personality traits, personal values, and attitudes. *Personality and Individual Differences*, 123, 191-198.
- Twenge, J. M., Campbell, W. K., & Foster, C. A. (2003). Parenthood and Marital Satisfaction: A Meta-Analytic Review. *Journal of Marriage and Family*, 65(3), 574-583.
- Totenhagen, C.J., Wilmarth, M.J., Serido, J. (2019). Pathways from Financial Knowledge to Relationship Satisfaction: The Roles of Financial Behaviors, Perceived Shared Financial Values with the Romantic Partner, and Debt. *J Fam Econ*, 40, 423-437.
- Yoo, G., Joo, S. (2022). Love for a Marriage Story: The Association Between Love and Marital Satisfaction in Middle Adulthood. *J Child Fam Stud*. 31, 1570-1581.
- Zangeneh, A., & arefi, M. (2022). Predicting the attitude towards marital infidelity based on conflict resolution styles, marital satisfaction and forgiveness of Kermanshah couples. *Islamic-Iranian Family Studies Journal*, 1(3), 62-77.
- Zhang, Cheng and Liang, Yanan. (2023). The Impact of Education Level on Marital Satisfaction: *Evidence from China*. 7(1), 100478.